



An analysis of education in the sixth verse of Surah Tahirim

seyednaghi mousavi¹



DOR: 20.1001.1.22516972.1404.33.66.5.5

66

Vol. 33
Spring 2025
P.P: 113-132

Research Paper

Received:
20 July 2024
Revised:
30 September 2024
Accepted:
01 June 2025
Published:
23 July 2025

ISSN: 2251-6972
E- ISSN: 2645-5196



Abstract

Considering the importance of family studies and educational studies based on the interpretation of the Qur'an, the problem of the present article is the conceptualization of education/parenting and its boundaries with similar and opposite concepts based on the sixth verse of Surah Tahirim. In the first part, an attempt was made to conceptualize the serious meaning of the noble verse of Fahm and Vaqayeh as education with the method of exegesis and ijthadi, and by observing the criteria of understanding the text and discovering the meanings, it was argued that "the incident in this verse, or from the introduction Or the example is education" and this conclusion was reached that the process of prevention and preventive education is under the terms of education and should not be turned into a harmful and misleading process. In the second part, an attempt was made to draw the relation of "preventive education" with other similar and opposite concepts, and the result was obtained that the core of preventive education is divine guidance, and preventive education is in conflict with liberal education and secular education. It is equal to the concept of guidance and training, including education, guidance, and enjoining good and forbidding evil. Also, the case regarding the concept of custody and provision of general alimony and the concept of guardianship can be equal.

Keywords: Care, the sixth verse of Surah Tahirim, parenting, parenting, family-oriented

1. assistant professor. Department of Educational Sciences, Farhangian University, PO Box 889-14665, Tehran, Iran.

Cite this Paper: mousavi, S. (2025). An analysis of education in the sixth verse of Surah Tahirim. Research in Islamic Education Issues, 33(66), 113–132

Publisher: Imam Hussein University

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).

© Authors



تحليل التربية من الآية السادسة من سورة التحريم

ID

سيدنقى الموسوى¹

DOR: 20.1001.1.22516972.1404.33.66.5.5

٩٦

الملخص

نظراً لأهمية الدراسات الأسرية والدراسات التربوية المبنية على تفسير القرآن، فإن مشكلة المقال الحالي تكمن في تصور التربية/التربية وحدودها مع المفاهيم المتشابهة والمتضادة استناداً إلى الآية السادسة من سورة التحريم. ومنهج البحث هو الوصفى والاستنتاجى والتحليلي. في الجزء الأول (التفسير الانطباعي) تمت محاولة تصور المعنى الجدى للآية الكريمة في الفهم والأحداث من خلال التدريب على أسلوب التفسير والاجتهاد، ومن خلال مراعاة معايير فهم النص واكتشاف المعاني، استدلل بان "الوقايه في هذه الآية، فهي تربيته إما بسبب المقدمة أو المصداق" وتوصلت هذه النتيجة إلى أن عملية الوقاية والتدريب هي عملية وقائية ضمن شروط التدريب ولا يجوز أن تتحول إلى عملية ضارة ومضللة. وفي الجزء الثاني (التفسير الاستنتاجي) تمت محاولة رسم علاقة "التعليم الوقائي" بمفاهيم أخرى مماثلة ومتضادة وتوصلت الى هذه النتيجة بان جوهر التربية الوقائية هو الهداية الإلهية وأن التربية الوقائية تتعارض مع التربية الليبرالية والتعليم العلماني. وهو يساوي مفهوم التوجيه والتدريب، بما في ذلك التعليم والإرشاد والأمر بالمعروف والنهي عن المنكر. كما أن القضية المتعلقة بمفهوم الحضانه وأحكام النفقة العامة يمكن أن تكون متساوية فيما يتعلق بمفهوم الولاية.

الكلمات الرئيسية: الرعاية، الآية، التربية، الأسرة المتمحورة حولها.

السنة ٣٣

ربيع ١٤٠٤

صص: ١٣٢ - ١١٣

تاريخ الاستلام: ١٩ / ٦ / ١٤٤٥

تاريخ المراجعة: ١٥ / ١ / ١٤٤٦

تاريخ القبول: ٤ / ١٢ / ١٤٤٦

تاريخ النشر: ٢٧ / ١ / ١٤٤٧

ISSN: 2251-6972
E- ISSN: 2645-5196

snmosavi57@cfu.ac.ir

١. أستاذ مساعد، قسم العلوم التربوية، جامعة فرهنجيان، ص.ب ٨٨٩-١٤٦٦٥ طهران، إيران

الاقتباس: موسوى، سيد نقى. (١٤٠٤). تحليل التعليم على ضوء الآية السادسة من سورة التحريم. بحث في قضايا التعليم الإسلامى، ٣٣(٦٦)، ١١٣-١٣٢

DOR: 20.1001.1.22516972.1404.33.66.5.5



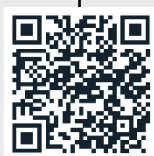
الناشر: جامعة الامام الحسين (ع)
المؤلفون © المؤلفون
المؤلفون هذه المقالة متاحة لك بموجب رخصة المشاع الإبداعي (CC BY).



سال سی سوم
بهار ۱۴۰۴
صص: ۱۳۲ - ۱۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۳۰
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۱
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱

شابا چاپی: ۶۹۷۲-۲۲۵۱
الکترونیکی: ۵۱۹۶-۲۶۴۵



تحلیلی از تربیت براساس آیه ششم سوره تحریم

سیدنقی موسوی^۱

DOR: 20.1001.1.22516972.1404.33.66.5.5

چکیده

باتوجه به اهمیت خانواده‌پژوهی و مطالعات تربیتی مبتنی بر تفسیر قرآن، مساله نوشتار حاضر عبارت است از مفهوم‌پردازی تربیت/فرزندپروری و مرزشناسی آن با مفاهیم مشابه و متضاد براساس آیه ششم سوره تحریم. روش پژوهش توصیفی، استنباطی و تحلیلی است. در بخش اول (تفسیر انطاقی) تلاش شد با روش تفسیری و اجتهادی، مراد جدی آیه شریفه فهم و وقایه به مثابه تربیت، مفهوم‌پردازی گردد و با رعایت ضوابط فهم متن و کشف معانی، اینگونه استدلال شد که «وقایه در این آیه، یا از باب مقدمه یا مصداق، همان تربیت است» و این نتیجه حاصل شد که فرایند وقایه و تربیت وقایی تحت اطلاعات تربیت است و نباید به فرایند اضراری و اضلالی تبدیل گردد. در بخش دوم (تفسیر استنباطی) تلاش شد نسبت «تربیت وقایی» با دیگر مفاهیم مشابه و متضاد ترسیم شود و این نتیجه حاصل به دست آمد که سخت‌هسته تربیت وقایی، هدایت الهی است و تربیت وقایی با تربیت لیبرال و تربیت سکولار در تضاد است. وقایه مساوی مفهوم هدایت و تربیت و اعم از تعلیم، ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر است. همچنین وقایه نسبت به مفهوم حضانت و تامین نفقه اعم و نسبت به مفهوم ولایت می‌تواند مساوی باشد.

کلیدواژه‌ها: مراقبت، آیه وقایه، فرزندپروری، والدگری، خانواده‌محوری

snmosavi57@cfu.ac.ir

۱. استادیار گروه آموزشی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

استناد: موسوی، سیدنقی. (۱۴۰۴). تحلیلی از تربیت براساس آیه ششم سوره تحریم. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی.

DOR: 20.1001.1.22516972.1404.33.66.5.5

۳۳(۶۶): ۱۱۳-۱۳۲.



© نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

همیشه اصطلاحات و مفاهیم مهم بوده و هستند و تعاریف نقش مهمی در علوم انسانی داشته و دارند. این مهم در تعلیم و تربیت و بویژه تعریف تربیت نیز دیده می شود و تلاش فلاسفه تحلیلی تعلیم و تربیت برای تحدید مفاهیم و تحلیل زبانی اصطلاحات و واژگان در همین راستا ارزیابی می شود.

تعاریف تربیت براساس میزان دخالت ارزشها در تعریف، به دو دسته تعاریف هنجاری و تحلیلی طبقه بندی می شوند. فراغت تعریف تربیت از ارزشها، هرچند مورد توصیه برخی است؛ اما به تصریح برخی، نمی توان انکار کرد که تربیت اساساً امری ارزش محور و ارزشی (نلر^۱، بازرگان، ۱۳۹۱: ۱۱۷) و ماهیتش هنجارین است (برزینکا^۲، باقری و عطاران، ۱۳۷۶: ۸۵). آنگونه که برخی، ارزشها را پنهان در تعریف تربیت می دانند و می گویند تربیت بصورت ضمنی شامل این معناست که چیزی ارزشمند با قصد و روشی قابل قبول، به کسی دیگر منتقل می شود (پیترز^۳، ۱۹۹۶: ۲۵). اساساً نظریه های هنجاری تعلیم و تربیت، اهداف، ارزشها و استاندارهایی برای تربیت فراهم می کنند (دالنتی^۴، ۲۰۱۰) و دیدگاه هایی درباره اینکه تربیت چه باید باشد و چه منش هایی را پرورش دهد و چرا و چگونه و به چه کسی باید آن منش ها را پرورش دهد، فراهم می کند (فرانکنا^۵ و دیگران، ۲۰۰۲).

در میان تعاریف هنجاری و ارزشی، تلاش برای مطالعات قرآنی و پیشبرد قلمرو «تفسیر تربیتی قرآن» به دلیل اهمیت بومی سازی و اسلامی سازی علوم تربیتی اهمیت دوچندان دارد. آیه ششم سوره مبارکه تحریم از جهتی که مفهومی از تربیت و فرزندپروری را مطرح می کند، بسیار مهم است. این کریمه می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگ ها هستند، حفظ نمایید». این آیه از آیات طلایی در تربیت (خانوادگی) است که پشتمانه

1. Kneller
2. Brezinka
3. Peters
4. Dolhenty
5. Frankna

محکمی برای استنباط بسیاری از مسئولیت‌های تربیتی والدین به شمار می‌رود. همانطور که صدر آیه (قُوا أَنْفُسَكُمْ) نیز به حوزه اخلاق و خودسازی مرتبط است.

تغییر در تعریف، ماهیت و کارکرد خانواده و فرزندپروری و والدگری در عصر حاضر و ضرورت مطالعات اسلامی و قرآنی در این زمینه را دوچندان می‌کند.

بنابراین مساله نوشتار حاضر عبارت از مفهوم‌شناسی و مرزشناسی تربیت/فرزندپروری براساس آیه ششم سوره تحریم. درحداطلاع تلاش برای مفهوم‌پردازی و مرزشناسی تربیت از آیه ششم سوره مبارکه تحریم، سابقه‌چندانی در پژوهش‌ها ندارد و این تلاش در زمره بسط ادبیات «تفسیر تربیتی قرآن» به شمار می‌رود. البته تمرکز بر تفسیر آیه ششم سوره تحریم در برخی پژوهش‌ها دیده می‌شود که برخی صرفاً از یک زاویه بدان پرداخته‌اند حاجی‌ده‌آبادی و اکرمی (۱۳۹۶) که از منظر قاعده دفع منکر به این آیه پرداخته و یا اگر مانند اسعدی و دیگران (۱۳۹۴) به تفسیر این آیه پرداخته و اصول و روش‌های تربیت دینی را استخراج کرده، بر مفهوم‌کاوی تربیت متمرکز نبوده و یا روش‌شناسی اجتهادی و تحلیلی-فلسفی مانند نوشتار حاضر مدنظر نبوده است.

روش‌شناسی پژوهش

گفتیم که مساله نوشتار حاضر، مفهوم‌پردازی تربیت در آیه ششم تحریم است. براین اساس روش پژوهش، روش توصیفی، استنباطی و تحلیلی است. توضیح آنکه نوشتار حاضر از یک سو به دنبال تفسیر یک آیه است. تفسیر قرآن عبارت است از بیان معانی آیات قرآن و کشف مقاصد و مدالیل آن» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۴/۱) بنابراین این نوشتار به دنبال کشف مدالیل تصویری و تصدیقی اولی و ثانوی و کشف مراد جدی آیه شریفه است. از دیگر سو، مفهوم‌پردازی تربیت براساس این آیه مساله این مساله است، پس به دنبال تطبیق تعریف تربیت بر این آیه و بازتحلیل و بازتعریف تربیت و مرزشناسی آن با دیگر مفاهیم مشابه و متضاد در پرتو این آیه است. روشن است که در بخش اول، هدف، تفسیر متن آیه شریفه است که به آن «تفسیر انطاقی» گفته می‌شود؛ اما بخش دوم به دنبال عرضه موضوعی از خارج از آیه شریفه به آن آیه و صحت‌سنجی استناد آن است که به تعبیر شهید صدر، به آن، «تفسیر استنباطی» گفته می‌شود (صدر، ۱۴۲۱: ۳۴). در ادامه برای پاسخ به پرسش اول در بخش اول (تفسیر انطاقی) در ابتدا به شرح معنای آیه و واژه وقایه و

کشف مراد جدی آن پرداخته می‌شود و سپس تلاش می‌شود وقایه به مثابه تربیت، مفهوم‌پردازی شود و با رعایت ضوابط فهم متن و کشف معانی الفاظ، اینگونه استدلال شود که «وقایه در این آیه، همان تربیت است». در بخش دوم (تفسیر استنباطی) تلاش می‌شود و سپس نسبت «تربیت وقایی» با دیگر مفاهیم مشابه و متضاد ترسیم گردد تا به مرزشناسی و تحدید مفهوم تربیت یاری رسانده باشد. بنابراین روش بخش اول، تفسیری-اجتهادی (فقه‌ای) است و روش بخش دوم تحلیلی-فلسفی.

سؤالات پژوهش

خلاصه آنکه مساله نوشتار حاضر مفهوم‌شناسی و مرزشناسی تربیت/فرزندپروری براساس آیه ششم سوره تحریم است و سؤالات پژوهش به قرار زیر است: ۱. تفسیر آیه ششم سوره تحریم چیست؟ ۲. در این آیه، تربیت چگونه مفهوم‌پردازی شده است؟ ۳. تربیت وقایه‌ای (مبتنی بر این آیه) چه نسبتی با مفاهیم مشابه و متضاد دارد؟

یافته‌های پژوهش

۱. تفسیر آیه برای مفهوم‌پردازی تربیت

سوال اول و دوم پژوهش به تفسیر آیه شریفه و چگونگی مفهوم‌پردازی تربیت اختصاص داشت و در این مجال بدان پرداخته می‌شود.

سوره مبارکه تحریم با چند توصیه در مورد ارتباط همسران و روابط خانوادگی آغاز و سپس به موضوع طلاق اشاره می‌نماید و در آیه ششم به مومنان دستور می‌دهد تا خود و اهل خود را از آتش جهنم صیانت نمایند و در آیه بعدی از عدم وجود عذر برای کافران و لزوم توبه از گناهان توسط مومنان سخن به میان می‌آورد. آیه ششم چنین می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ. ترجمه آیه اینچنین است: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خود را از آتش جهنم که آتش‌زنه آن مردم و سنگ است، صیانت کنید. آتشی که فرشتگانی خشن و سخت‌گیر موکل آن هستند و از اوامر خداوند سرپیچی نمی‌کنند. مساله نوشتار حاضر این است که تعبیر «قُوا أَهْلِيكُمْ نَارًا» به چه معناست و آیا می‌تواند به معنای تربیت باشد و در این صورت مفهوم‌پردازی و

مرزشناسی تربیت چگونه است. براین اساس در دو بخشِ انطاقی و استنطاقی به تحلیل تربیت و تحدید مفهومی آن پرداخته شده است.

۱-۱. تفسیر مفردات آیه

یک. مخاطب تکلیف: درباره مخاطب تکلیف وقایه و معنای عبارت «یا ایها الذین آمنوا» باید گفت که این خطاب عام است و شامل همگان اعم از زن و مرد است؛ زیرا اولاً کاربست صیغه مذکر برای جنس انسان بدون لحاظ جنسیت از نظر لغوی و استعمال عربی و نیز استعمالات قرآن جایز و رایج است؛ ثانیاً بر فرض که این عبارت صرفاً شامل مردان باشد، با الغاء خصوصیت این حکم به زنان قابل تعمیم است و آنان نیز مانند مردان مکلف به صیانتی از خود و اهل مکلف شدند. بنابراین همچنانکه پدران و مادران مخاطب این آیه هستند؛ فرزندان و خواهران و برادران نیز مخاطب هستند. بنابراین هم پدران و مادران مکلف به وقایه فرزندان هستند و هم برعکس و هم برادران و خواهران نسبت به همدیگر و نیز دیگر اعضای خانواده. در ادامه قلمرو اهل تعیین می شود.

دو. معنای ماده وقایه: واژه «قوا» از ماده وقی است. وقایه در لغت به معنای حفظ و منع است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۵/ ۴۰۱) و در استعمالات قرآنی نیز به همین معناست (راغب اصفهانی، ۱۴۲۱: ۸۸۱). ماده وقی، متعدی به دو مفعول است. در عبارت «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَاراً» انفس و اهل مفعول اول و نار مفعول دوم محسوب می شود. با نظر به این نکته باید گفت فرایند صیانت و وقایت در این آیه دارای چند عنصر است: ۱. فعل وقایه و صیانت، ۲. وقایه کننده (واقی و صائن)، ۳. وقایه شونده (مصون یعنی انفس و اهل)، ۴. مصون عنه یا مفعول دوم (یعنی نار).

باید دانست به قرینه مناسبات حکم و موضوع، منظور از آتش، نفس آتش جهنم نیست؛ زیرا اولاً اکنون جهنم وجود ندارد و ثانیاً وقایه از آتش جهنم در آخرت، در محدوده اختیار مکلفان نیست. بنابراین منظور از «وقایه از نار»، حفظ و حراست دیگری از موجبات جهنم است. در این صورت، می دانیم که آنچه موجب «جهنمی شدن» خواهد بود، عبارت است از فعل محرمات و ترک واجبات. بنابراین «وقایه اهل از نار» یعنی حفظ و مراقبت خود و اهل از ترک واجبات و فعل محرمات. همچنین صیانت از خود و صیانت از اهل هم ماهیتاً متفاوت است. به عبارت دیگر، «وقایه النفس» به معنای فعل واجبات و ترک محرمات است و انسان باید مراقب خود باشد تا مرتکب

محرمات نشود؛ اما «وقایه الاهل» به معنای زمینه‌چینی و دخالت در بینش، گرایش و رفتار شخص دیگر (اهل) است و همین نکته مفهوم وقایه را به مفهوم تربیت نزدیک می‌نماید؛ زیرا در تربیت نیز مربی تلاش می‌کند با نقش‌آفرینی در مبادی صدور فعل اختیاری (یعنی تصور، تصدیق، شوق، شوق اکید و اراده) به معرفت‌افزایی (تعلیم)، انگیزه‌بخشی و اصلاح رفتار در متری اقدام کند.

سه. معنای هیئت «قوا»: واژه «قوا» دارای هیئت امری است که در وجوب ظهور دارد. این ظهور بوسیله مفعول دوم یعنی واژه نار، تأیید می‌شود. توضیح آنکه ممکن است گفته شود که ماده وقایه دارای اطلاق است و این اطلاق با ظهور هیئت امر در وجوب، تعارض دارد؛ چراکه تکلیف به حراست در همه سطوح و مراتب وقایه، تکلیفی بمالایطاق است؛ زیرا بخاطر مفعول دوم (نار)، هیچگاه اطلاقی برای ماده وقایه شکل نمی‌گیرد.

نتیجه آنکه وقایه خود و اهل از فعل محرمات و ترک واجبات، واجب است. درباره معنای وجوب نسبت به خود و اهل نیز تفاوتی در میان است. توضیح آنکه وجوب وقایه خود از فعل محرمات و ترک واجبات، حکمی جدید غیر از حرمت محرمات و وجوب واجبات نیست؛ و هیچ تاسیسی در این خطاب وجود ندارد و نهایتاً تأکید است؛ اما وجوب وقایه اهل از فعل محرمات و ترک واجبات، وجوبی تاسیسی و جدید است و مسئولیتی جدید (فارغ از تکالیف خود) به عهده مخاطبان تکلیف و والدین قرار داده است.

چهار. معنای اهل: واژه اهل اگر به صورت مطلق و بدون مضاف‌الیه باشد، به معنای اختصاص و تعلق است و معنای اصلی آن، قرابت می‌باشد (فیومی، ۱۴۱۴، ۲/۲۸). اگر اهل به کلمه‌ای اضافه شود، به تناسب مضاف‌الیه معنا می‌شود. «اهل الرجل» به معنای نزدیک‌ترین افراد و به‌ویژه زوجه است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ۱۱/۲۹). گاهی اهل الرجل در دایره وسیع‌تر به معنای زوجه و اولاد و کسانی که در عیال و نفقه مرد جای دارند، اطلاق می‌شود (مطرزی، ۱۹۷۹، ۱/۵۰) و گاهی در دایره وسیع‌تر حتی برادر، خواهر، عمو، پسرعمو و پسرخوانده را هم شامل می‌شود (همان). گاهی هم اهل الرجل به عشیره و ذوالقرباء معنا شده است (فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ۳/۴۵۳). در قرآن کریم واژه اهل، در برخی از آیات به معنای نزدیکان به کار رفته است (نساء، ۳۵). در شماری دیگر، به معنای مادر و خواهر و دیگر زنان (برای نگهداری نوزاد) (قصص، ۱۲) و در آیه‌ای دیگر، اهل البیت بر زوج و زوجه (هود، ۷۳) و در جایی دیگر اهل به معنای فردی خاص از خانواده

(پسر) هود، ۴۵-۴۶)، برادر (طه، ۲۹-۳۰)) به کار رفته است. در آیه تطهیر (احزاب، ۳۳) نیز به اذعان برخی از مفسران اهل سنت (سیوطی، ۱۴۰۴، ۵/۱۹۸) و همه مفسران شیعه (طبرسی، مجمع البیان، ج ۸، ص ۵۵۹)، دختر، نوه و داماد (و یا برادرزاده) پیامبر (صلی الله علیه و آله) مراد است. اگر در مورد شمول واژه اهل نسبت به دیگر بستگان و فامیل تردید وجود داشته باشیم باید به قدر متیقن اخذ کرد که عبارت است از زوجه و اولاد که پژوهش حاضر که در مورد تربیت و فرزندپروری است را کفایت خواهد کرد. البته فرزندخوانده و نیز فرزند همسر لفظاً یا مناطاً مشمول آیه شریفه می باشد.

پنج. جمع بندی دلالت ها: براساس آیه وقایه، همه مکلفان اعم از مردان و زنان و از جمله پدران و مادران، نسبت به خانواده خویش که فرزندان قدر متیقن آن می باشند، وظیفه حفاظتی و صیانتی دارند و واجب است زمینه نجات از آتش دوزخ را فراهم نمایند.

۲-۱. تبیین وقایه بمثابه تربیت

تربیت دانستن وقایه در آیه ششم سوره مبارکه تحریم، با تحلیل دقیق مفهوم وقایه و قرائن کبیّه و لفظیه تصدیق می شود. توضیح آنکه وقایه لفظاً یعنی نگهداری و نار هم کُلاً به معنای عذاب شانی جهنم است؛ در نتیجه نگهداری یعنی نگهداری از موجبات نار نه خود نار. از سوی دیگر کُلاً با توجه به وجود اختیار در فرزند و اختیاری بودن راه حق و باطل در قرآن، وقایه از موجبات نار به معنای ورود/دخال/تاثیر گذاری در مقدمات فعل اختیاری فرزند (انتخاب موجبات نار و جنت) است و این معنا از وقایه، یعنی «تربیت».

از دیگر شواهد «تربیت بودن وقایه»، این است که اگر مراد از وقایه، وقایه برآیندی (و نه فرایندی) و ناظر به حاصل مصدر (و نه معنای مصدری) دانستیم، صدق تربیت واضح تر است. زیرا با یکبار گفتن و تذکر و امر، «بهشتی شدن» فرزند محقق نمی شود و یا اطمینان به تحقق ایجاد نمی شود و هدف «رهیدن از جهنم» و «بهشتی شدن» فرزندان، نیازمند برنامه ریزی، استمرار و تمهید است و این نکته خود، قرینه داخلیه ای است که اطلاق آیه را آبی از تخصیص روایات حاصره وقایه به روش های امر و نهی، می نماید.

ممکن است اشکال شود که «رهیدن از جهنم» (که مدلول آیه است) با «بهشتی شدن» مساوق و ملازم نیست. در جواب باید گفت: هرچند تلازم عقلی میان ایندو وجود ندارد؛ اما در این بحث، تلازم و دقت عقلی لزومی ندارد. بنابر گزارش آیات و روایات، در آخرت تنها دو وضعیت بهشت و جهنم وجود دارد و حدواسطی در آخرت وجود ندارد؛ بنابراین «وقایه کردن از جهنم» به معنای «وارد کردن به بهشت» است.

نتیجه آنکه تربیت، مقدمه وقایه (به معنای حاصل مصدری) و یا مصداق وقایه (به معنای مصدری) است و تربیت مدلول التزامی آیه است؛ به التزامیت مقدمه برای ذی المقدمه! نکته دیگر آنکه تربیت وقایی، هم تربیت پیشگیرانه است و هم تربیت درمانگرانه و اطلاق وقایه در آیه، هم شامل دفع است و هم رفع.

پاسخ به یک اشکال: ممکن است گفته شود که وقایه، مقول به تشکیک است و صرف بازداری از انجام محرمات را هم شامل می شود. بنابراین اضعف مصادیق وقایه، دیگر تربیت نیست؛ چراکه تربیت یعنی هدفگذاری و برنامه ریزی برای جهت دهی فرزند به فعل واجبات و ترک محرمات. به تعبیر فنی تر، با اقل المصادیق، وقایه صادق است و نیازی نیست وقایه به تربیت معنا شود. این اشکال توسط روایاتی که وقایه را به امر و نهی منحصر کرده تقویت می شود. در پاسخ باید گفت:

اولاً روایاتی که در ذیل آیه ششم سوره مبارکه تحریم وارد شده اند، وقایه را تنها بر امر و نهی تطبیق نداده اند؛ بلکه بر روش های دیگر مانند دعوت، تعلیم، تادیب و ... نیز تطبیق داده اند و هر دو دسته دارای سند معتبری هستند. این روایات به شرح زیر است:

الف. روایات تطبیق وقایه بر امر و نهی

– صحیحہ ابوبصیر: عنه [محمد بن یعقوب] عن علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن ابن أبی عمیر، عن حفص بن عثمان، عن سماعه، عن أبی بصیر، عن أبی عبد الله (علیه السلام)، فی قول الله عز و جل: قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا، کیف نقی أهلنا؟ قال: «تأمرونهم و تنهونهم» (کلینی، ۱۴۰۷، ۵ / ۶۲)؛

- معتبره^۱ ابوبصیر: و عنه [محمد بن یعقوب] بإسناده عن عثمان بن عیسی عن سماعه عن ابی بصیر فی قول الله عز و جل «قوا أنفسکم و أهلیهم نارا قلت کیف اقیهم، قال (ع) تأمرهم بما أمر الله و تنهاهم عما نهی الله فإن أطاعوک کنت قد وقیتهم و إن عصوک کنت قد قضیت ما علیک». (بحرانی، ۱۴۱۶، ۵/ ۴۲۴ و کلینی، ۱۴۰۷، ۵/ ۶۲).

- روایت^۲ عبدالاعلی: و عنه [محمد بن یعقوب] عن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن إسماعیل، عن محمد بن عذافر، عن إسحاق بن عمار، عن عبد الأعلى مولى آل سام، عن أبی عبد الله (علیه السلام)، قال: «لما نزلت هذه الآية: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً» جلس رجل من المسلمين یبکی، و قال: أنا عجزت عن نفسي و کلفت أهلی. فقال رسول الله (صلی الله علیه و آله): حسبک أن تأمرهم بما تأمر به نفسك، و تنهاهم عما تنهى عنه نفسك.» (بحرانی، ۱۴۱۶، ۵/ ۴۲۳؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۵/ ۶۲).

ب) روایات تطبیق وقایه بر روش‌های تربیتی غیر از روش امر و نهی:

- صحیحہ سلیمان بن خالد: عنه [محمد بن یعقوب] عن محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن علی بن النعمان، عن عبد الله ابن مسکان، عن سلیمان بن خالد، قال: قلت لأبی عبد الله (علیه السلام): إن لی أهل بیت و هم یسمعون منی، أفأدعوهم إلی هذا [الأمر]؟ فقال: «نعم، إن الله عز و جل یقول فی کتابه: يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً وَ قُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ». (بحرانی، ۱۴۱۶، ۵/ ۴۲۴؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۲/ ۱۶۸) ملاحظه می‌شود که آیه وقایه بر دعوت نیز تفسیر و تطبیق شده است و واژه «دعوت» با امر و نهی متفاوت است. بنابراین صحیحہ و معتبره ابوبصیر در صدد انحصار معنای آیه وقایه در روش امر و نهی نیستند.

۱. همه راویان در این سند، توثیق دارند. اما در مورد عثمان بن عیسی بحث وجود دارد. وی غیر امامی و واقفی است و برخی توبه وی را ثابت نمی‌دانند (خویی، ۱۴۱۰، ۱۱/ ۱۲۰). برخی در منفردات وی توقف کردند (حلی، ۱۴۱۱: ۲۴۴). براساس یک نقل وی در شمار اصحاب اجماع است (کشی، ۱۳۴۸: ۵۵۶). مرحوم خویی وی را بر اساس شهادت ابن قولویه، شیخ، علی بن ابراهیم و ابن شهر آشوب موثق می‌داند. (خویی، ۱۴۱۰، ۱۱/ ۱۲۰) در مجموع، باتوجه به اینکه این روایت جزء منفردات عثمان نیست، پس قابل تصحیح است و در نتیجه سند، معتبر خواهد بود.

۲. سند این روایت بخاطر عبدالاعلی مولى آل سام و عدم توثیقش (خویی، ۱۴۱۰، ۹/ ۲۵۹) معتبر نیست.

- در مجامع روایی اهل سنت نیز از حضرت علی (علیه السلام) نقل شده که در مورد معنای آیه وقایه، آیه را بر روش های دیگری مانند تعلیم خیر و تادیب تطبیق شده است. در روایتی ایشان در تفسیر آیه وقایه فرمودند: «عَلِّمُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ الْخَيْرَ وَأَدَّبُوهُمْ» (سیوطی، ۱۴۰۴، ۶/۲۴۴).

ثانیاً برداشت مطلق از آیه وقایه (مطلق روش های تربیتی) در میان مفسران و شارحان هم دیده می شود. شیخ طوسی وقایه را به دعوت و حث (برانگیزدن) بر طاعات معنا کرده است: «يَأْمُرُهُمْ بِأَنْ يَقُوا أَنْفُسَهُمْ، أَيْ يَمْنَعُونَهَا وَيَمْنَعُونَ أَهْلِيَهُمْ نَاراً، وَإِنَّمَا يَمْنَعُونَ نَفْسَهُمْ بِأَنْ يَعْمَلُوا الطَّاعَاتِ، وَيَمْنَعُونَ أَهْلِيَهُمْ بِأَنْ يَدْعُوهُمْ إِلَيْهَا، وَيَحْتَوَهُمْ عَلَى فَعْلِهَا» (بی تا، ۱۰/۵۰). شیخ طبرسی وقایه را به دعوت به طاعات و تعلیم فرائض و نهی از زشتی ها و حث بر افعال خیر معنا کرده و سپس از مقاتل برای این نظر موید می آورد (۱۴۰۸، ۱۰/۴۷۷). مقدس اردبیلی هم وقایه را به نصیحت و تادیب معنا می کند (بی تا: ۵۷۱). شرح علامه مجلسی از وقایه، مطلق است: قُوا أَهْلِيَكُمْ النَّارَ بِدَعَائِهِمْ إِلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَتَعْلِيمِهِمُ الْفَرَائِضَ وَنَهْيِهِمْ عَنِ الْقَبَائِحِ وَحَثِّهِمْ عَلَى أَفْعَالِ الْخَيْرِ (۱۴۰۳، ۸/۲۶۹ و ۷۱/۸۶). تفسیر وقایه به تعلیم واجبات و نصیحت و تادیب در تفاسیر دیگر هم دیده می شود (قرطبی، ۱۳۶۴، ۸/۱۹۴؛ فخر رازی، ۱۰/۱۴۲۲، ۵۷۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ۱۴/۳۵۱).

بنابراین منظور از روش تربیت وقایی، صیانت نرم افزارانه ای است که از همه ظرفیت ها و همه روش های تربیتی برای صیانت فرزندان بهره می برد و اطلاق آیه، همه روش ها را در برمی گیرد. (اعم از امر، نهی، تنبیه، تشویق، محبت ورزی و ...).

ثالثاً بر فرض که روایاتی که وقایه را بر امر و نهی محصور کرده اند را مبنا قرار دهیم، باید گفت که مدلول تصدیقیه آنها، حصر نیست و بر فرض هم حصر باشد، از نوع حصر اضافی است؛ نه حصر حقیقی و اطلاق وقایه (شامل همه روش های تربیتی برای صیانت و حراست و نگهداری از نار) تخصیص نمی خورد و اصطلاحاً آبی از تخصیص است؛

رابعاً بر فرض که مطابق این روایات، مدلول آیه، «حصر حقیقی وقایه در امر و نهی» باشد (یعنی قُوا أَهْلِيَكُمْ بِالْأَمْرِ وَالنَّهْيِ)؛ اما قطعاً روش های خفیف تر از روش امر و نهی (مثل روش توصیه، تبشیر و ...) به طریق اولی مشمول آیه است. بنابراین ایرادی ندارد که «وقایه گفتاری» را تربیت (اعم از تعلیم) بدانیم. به عبارت دیگر حد وسط استدلال به «وقایه بودن تربیت» این بود که با توجه

به مناسبات حکم و موضوع و سیاق آیه شریفه، فرایند «بهشتی کردن فرزندان» با یکبار گفتن و امر و نهی کردن حاصل نمی‌شود.

نتیجه آنکه وقایه، تربیت است (یا از باب مقدمه یا مصداق). این نتیجه را برخی از معاصران نیز اتخاذ کرده‌اند و گفته‌اند وقایه، بدون تربیت اطفال برای حصول عقاید و اخلاق صحیح و تعلیم احکام مبتلا به ممکن نیست (شیرازی و دیگران، ۱۴۲۹، ۳ / ۲۹۵). برخی از فقهای معاصر نیز در رساله خود برای لزوم تربیت اولاد به همین آیه شریفه، استشهاد نمودند (حکیم، ۱۴۱۵: ۶۲).

زوایای دیگر از «وجوب تربیت وقایی»:

پس از روشن شدن دلالت آیه شریفه بر وجوب تربیت وقایی، شایسته است در این مجال به برخی دیگر از زوایای این حکم اشاره شود.

یک. در مورد دلالت آیه شریفه بر روش‌های تربیت وقایی (کیفیه الوقایه) باید گفت اطلاق آیه، همه روش‌های تربیتی را شامل است. به عبارت دیگر وجوب الوقایه، تحت اطلاقات تربیت خواهد ماند. به این معنا که فعل الوقایه، باید تحت ضوابط و احکام فوقانی و اطلاقات تربیتی باشد؛ البته طبق قرائن لُغی و لفظی، اجبار (به معنای فلسفی و سخت که فرزند را مسلوب الاختیار نماید یا فشار غیرمعارفی بر او ایجاد نماید) مراد جدی آیه نیست و اطلاق، استفاده از روش‌های نرم و نیمه نرم را دربرمی‌گیرد. در مجالی دیگر گفتیم که بکاربردن اجبار شدید (واداشتن متربی با سلب اختیار) و اکراه شدید (واداشتن متربی با تهدید جان و آبرو) و اکراه متوسط (واداشتن متربی با تهدید به سلب حقوق الزامی) در تربیت، جایز نیست و در مقابل، واداشتن متربی با تهدید به سلب حقوق غیرالزامی و وعده به تنبیه عاطفی و بدنی خفیف، در تربیت عبادی جایز است. (نه واجب!)؛ البته کاربست این روش و نیز استجاب امر کردن، (مانند همه روش‌های تربیتی) مشروط به این است که بر اساس کارشناسی‌ها این روش، موثرترین باشد (شرط احتمال تاثیر) و روشی موثرتر در میان نباشد و موجب إضرار (آسیب) و إضلال نباشد (موسوی، ۱۴۰۲).

دو. در مورد قلمرو وجوب تربیت وقایی نسبت به سن فرزندان باید گفت که اطلاق آیه و معنای واژه اهل شامل همه دوران کودکی، نوجوانی، جوانی و بزرگسالی است و حتی دوران قبل از بلوغ فرزندان را از باب مقدمه واجب، شامل است. همچنین روشن است که شیوه وقایه فرزندان بزرگسال به قرینه مناسبات حکم و موضوع متفاوت خواهد بود.

سه. نکته فنی دیگر آنکه بر مبنای قرینه عقلی، وجوب تربیت وقایی در صورتی منجز خواهد شد که والدین نسبت به احتمال تاثیر، اطمینان داشته باشند. نکته اضافه‌تر اینکه وقایه به معنای حاصل مصدري در آیه شریفه مقتضی این نکته است که اگرچه به صورت انحلالی، احتمال تاثیر شرط تنجز تکلیف وقایه است؛ اما باید توجه داشته به صورت حاصل مصدري مدیریت فرایند وقایه و بهشتی شدن برعهده والدین است و بسترسازی برای احتمال تاثیر و تغییر روشها و تاکتیک‌ها و رویکردهای تربیتی را نیز شامل است.

جمع‌بندی

در مقام جمع‌بندی بخش تفسیر انطاقی آیه شریفه باید گفت: خداوند در این آیه می‌فرماید اهل خود را از جهنمی شدن، صیانت و حفاظت و حراست و مراقبت نمایید و گفتیم که تربیت یا مصداق فرایند وقایه است یا مقدمه آن. در نتیجه تربیت دینی فرزندان به معنای پرورش مسلمان ملتزم، بر والدین واجب است. اطلاق آیه شامل هر نوع اقدام اعم از طراحی، برنامه‌ریزی، هدفگذاری، رعایت اصول و کاربست روش‌های و شیوه‌های تربیتی متنوع می‌شود که وقایه و تربیت را محقق نماید؛ یعنی زمینه زیست اسلامی و «رهیدن از جهنم» را برای فرزندان آماده نماید. این اطلاق، به قرینه لُبَّه شامل اجبار فلسفی نمی‌شود؛ زیرا به قرینه عقلی، «رهایی اختیاری از جهنم» مراد جدی آیه شریفه است.

این نتیجه را می‌توان در تحلیلی دیگر از عناصر و اضلاع «تربیت وقایی» صورت‌بندی نمود: وقایه را به معنای حفظ، صیانت، نگهداری، حراست و مراقبت دانستیم. از منظر انسان‌کنش‌شناسی باید گفت تربیت وقایی، به مثابه یک کنش انسانی دارای بُعد شناختی، عاطفی و رفتاری است. در بُعد شناختی، باید گفت که در «تربیت وقایی»، کسب علم و آگاهی‌های تربیتی بر والدین از باب مقدمه علمیه، واجب است. بنابراین علم‌اندوزی و دانش‌افزایی والدین از دنیای روانشناختی کودکان برای همراهی با تراز تحولی فرزندان و نیز آگاهی از اصول و روش‌های تربیتی مجاز/غیرمجاز و مفید/غیرمفید بخشی از سازه مفهومی «تربیت وقایی» است. همانگونه که منظور از «تربیت بودن وقایه در آیه شریفه» تربیت بمعنای عام است که شامل تعلیم نیز می‌باشد و «تعلیم وقایی» به مثابه یک کنش تخصصی، نیازمند دانش تخصصی و کسب تجارب است.

در بُعد عاطفی و انگیزشی باید دانست که حکم «وجوب الوقایه»، حکمی توصیلی است و اصطلاحاً متقوم به قصد قربت الهی نیست؛ اما باید دانست که در «تربیت وقایی» و همه امور توصیلی، داشتن نیت و انگیزه الهی و خدایی امری مستحب است و باتوجه به مناسبات حکم و موضوع و نیز روایاتی که خلوص نیت را در فرایندهای آموزشی و پژوهشی و پرورشی برمی-شمارند، مورد تأکید است. بنابراین تربیت وقایی، هم در هدف، و هم در انگیزه، خدایی و الهی است و روشن است که اخلاص چه طراوت و اثربخشی به فرایند «تربیت وقایی» خواهد بخشید و این مهم، وقتی جلوه گرتر خواهد شد که تربیت با این رویکرد را با تربیت مدرن با رویکرد شی-انگار، کالایی و مبادله‌ای مقایسه شود.

در بُعد رفتاری، وجوب الوقایه، تحت اطلاقات تربیت خواهد بود؛ به این معنا که فعل الوقایه، باید تحت ضوابط و احکام فوقانی و اطلاقات تربیتی باشد. به عبارتی دیگر وقایه و رهیدن از شقاوت ابدی هم تکلیف والدین است و هم حق فرزندان. بنابراین «تربیت وقایی» به مثابه یک کنش انسانی نباید به فرایندی آسیب‌زا، غیرمعقول و خارج از ضوابط شرعی تبدیل گردد.

۲. مرزشناسی «تربیت وقایی» از مفاهیم مشابه و متضاد

پس از فراغت از تفسیر آیه شریفه و مفهوم‌پردازی وقایه به مثابه تربیت، در این مجال به پرسش سوم پژوهش حاضر و تفسیر استنتاجی آیه شریفه با هدف مرزشناسی وقایه و «تربیت وقایی» نسبت به مفاهیم مشابه و متضاد پرداخته می‌شود.

نسبت وقایه و «تربیت وقایی» با مفاهیم مشابه:

باتوجه به مفهوم‌پردازی که از وقایه صورت دادیم، باید گفت که نسبت وقایه و هدایت، نسبت تساوی است و در نتیجه وقایه، هدایت است؛ چرا که طبق معنای لغوی و سیاق آیه شریفه، وقایه را تلاش برای حفظ و نگهداری از آتش جهنم دانستیم که به معنای هدایت کردن است. همچنین نسبت وقایه و ارشاد و تعلیم، نسبت عام و خاص مطلق است به این معنا که وقایه اعم از ارشاد و تعلیم است. همچنین نسبت امر به معروف و نهی از منکر با وقایه، نسبت عام و خاص مطلق است؛ به این معنا که امر و نهی بخشی از فرایند وقایه بشمار می‌رود.

همچنین اگر بخواهیم به مفاهیمی نزدیک تر به تربیت اشاره کنیم، باید نسبت تربیت و قیایی با مفاهیمی چون حضانت، ولایت و تامین نفقه را تبیین کنیم. از یک منظر وقایه و تربیت و قیایی می-تواند مساوق مفهوم حضانت باشد؛ چراکه هسته مرکزی و اولیه معنای وقایه، حفاظت و مراقبت است؛ اما باید توجه داشت که اصطلاح حضانت در فقه اسلامی بیشتر ناظر به مراقبت های فیزیکی و بدنی و مادی اعم از تامین نیازهای اولیه زیستی کودک تا آنچه برای حیات کودک لازم است می باشد؛ اما وقایه در سطحی عالی تر متضمن معنای هدایت و راه نمایی به سوی سعادت و رهیدن از شقاوت ابدی است. این سخن در مورد اصطلاح نفقه نیز جاری است. سرنوشت اصطلاح ولایت در فقه اندکی متفاوت تر است؛ چراکه ولایت در معنایی راقی تر در مورد نفوذ و تسلیط در تدبیر مجموعه نیازهای مادی و غیرمادی است که در ولایت بر اموال و مسائل مالی و اقتصادی و ولایت بر ازدواج و مانند آن در فقه اسلامی متجلی می شود. از سوی دیگر مفهوم وقایه با تمرکز بر زمینه-سازی برای سعادت و شقاوت ابدی، ضمن تساوق با مفهوم هدایت، از مفهوم ولایت که تصدی و توکی امور کودک است، ارتفاع می گیرد و «سعادت اختیاری و انتخاب گرانه فرزند» وجه تمایز مفهوم ولایت و وقایت خواهد بود. با این توضیح نسبت ایندو، من وجه خواهد بود.

همچنین نسبت وقایه با تربیت دینی و تربیت اسلامی تساوی و تساوق است و تربیت و قیایی یعنی تربیت دینی هم به معنای عام (تربیت مبتنی بر دین/اسلام) و به معنای خاص (به معنای پرورش ایمان و التزام). به همین مناسبت باید اشاره کرد که اطلاق آیه شریفه تمام ساحات تربیت اعم از تربیت اعتقادی، تربیت عبادی، تربیت اخلاقی، تربیت شغلی حرفه ای، تربیت سیاسی، تربیت علمی، تربیت زیبایی شناختی هنری، تربیت علمی و فناورانه و... را شامل می شود و اینگونه نیست که تربیت و قیایی در عرض تربیت اخلاقی یا تربیت سیاسی قلمداد شود که در این صورت نگاهی سکولار خواهد بود.

از منظری دیگر با لحاظ نسبت دو فراز آیه شریفه «قوا انفسکم و [قوا] اهلیکم» می توان به تفاوت مفاهیم «خودسازی و دگرسازی»، «خودمراقبتی و دگرمراقبتی»، «خودتربیتی و دگرتربیتی» و «خودنظارتی و دگرنظارتی» تاکید کرد. همچنین به تمایز وقایه، «تربیت و قیایی» و «تربیت مراقبتی» با مفهوم مراقبه (به مثابه یک فعل اخلاقی)، اخلاق مراقبت و خودمراقبتی توجه نمود.

همچنین بر مبنای یک شبهه باید خاطر نشان کرد که نسبت تربیت وقایی با تربیت اختیاری، نسبت تساوی است. توضیح آنکه ممکن است گفته شود وقایه اساساً تربیت نیست؛ زیرا تربیت باید اختیاری باشد و وقایه، اختیار متری را در نظر نمی گیرد و متصلبانه «رهیدن از جهنم» را نشانه گرفته است. در پاسخ باید گفت: با توجه به قرائن منفصله لفظی و نیز قرائن لُبی و یا به دلالت تضمینی، مراد جدی خداوند در این آیه شریفه، عبارت است از «وقایه اختیاری فرزندان از نار». بنابراین تربیت وقایی، تربیتی اختیاری است و علاوه بر آنکه تربیت اجباری نیست، تربیتی خطاشکیب است. با این توضیح، تربیت وقایی بالاتر از این، نوعی «تربیت ارادی» است؛ یعنی «وقایه شدن» از رهگذر تقویت اراده و اختیار متری و مقدمات شناختی و انگیزی اراده اوست.

در پایان این بخش می توان این پرسش را مطرح کرد که آیا مفهوم وقایه (یا مراقبت، صیانت و مانند آن) به مثابه کلیدواژه ای قرآنی می تواند بدیل واژه تربیت در مطالعات تربیت اسلامی قرار گیرد و بجای واژه تربیت که کاربرد آشکار و واضح قرآنی ندارد، قرار گیرد؟ به نظر می رسد پاسخ منفی است؛ چراکه وقایه مانند مفهوم هدایت، تربیت، تعلیم و حتی تزکیه نیست که مستقیماً به فرایند «تمهید تغییر در دیگری» اشاره نماید؛ بلکه مفهومی عام تر است و در معنای آن حیث صیانتی و مراقبتی به مثابه هدف تربیت برجسته است! لذا می توان گفت: وقایه، وصف تربیت است و این ظرفیت را ندارد تا جایگزین واژه تربیت و هدایت و تعلیم باشد.

نسبت وقایه و «تربیت وقایی» با مفاهیم متضاد:

«تربیت وقایی» را مساوی «تربیت دینی» (به هردو معنای عام و خاص) و «تربیت اسلامی» دانستیم. بنابراین با «تربیت لیبرال» (به معنای «تربیت غیردینی/ضددینی») و «تربیت سکولار» (به معنای «غیر تربیت دینی») در تضاد خواهد بود. توضیح آنکه «تربیت اسلامی» نسبت به هدایت، با صراحت و بی تکلف، اظهار موضع می نماید؛ برخلاف «تربیت ضددینی» که هدایت الهی را بر نمی تابد و «تربیت سکولار» که سیاست بی تفاوتی نسبت به هدایت الهی/وحيانی اتخاذ می نماید. در همین جا، باید اشاره کرد که «تربیت دینی» (به معنای پرورش ایمان) در برخی خوانش ها، روایتی سکولار به خود گرفته و به همین دلیل، می توان از «تربیت دینی سکولار» نام برد که قطعاً با «تربیت وقایه ای» در تضاد است. با این توضیحات، روشن می شود که «عدم الوقایه» طیفی از ترک و فعل - های تربیتی را شامل می شود. از بی تفاوتی نسبت به هدایت متری تا مشغول سازی متری به امور

مباح، مکروه، لهو و لغو که نقشی مستقیم در وقایه و هدایت متربی ندارد؛ تا اقدام به إضلال و إغراء به جهل وی.

تذکر این نکته لازم است که راقم به بحث «اقتضاء امر به چیزی، نهی از ضد عام آن چیز» در علم اصول و تقسیم ضد به ضد عام (نقیض و ترک) و ضد خاص (فعل مضاد) توجه دارد و طیفی از دیدگاه‌های موافق و مخالف هم در ضد عام و هم در ضد خاص وجود دارد و بنابر قول به عدم اقتضاء، برداشت فوق مخدوش خواهد شد. توضیح آنکه اگر بگوییم امر به وقایه در آیه شریفه، مقتضی نهی از «ترک الوقایه» (ضد عام و تربیت لیبرال/ضددین) و «فعل المضاد» (ضد خاص و تربیت سکولار) نیست؛ در این صورت برداشت فوق مورد اشکال خواهد بود. در پاسخ باید گفت که اگر منهی بودن «تربیت لیبرال/ضددین» و «تربیت سکولار» (بی تفاوت به هدایت) را هم بخاطر مبانی اصولی نتوانیم با این آیه شریفه اثبات کنیم، ادله لفظی و لُبی کافی دیگری در نهی از ایندو (تربیت لیبرال و سکولار) وجود دارد.

انگاره والدگری در مقایسه با انگاره مدرن

در پایان لازم است به انگاره والدگری در این آیه اشاره‌ای شود. ممکن است گفت شود که انگاره مراقبت/وقایت، انگاره‌ای سنتی از والدگری و تربیت است که مبتنی بر انگاره سرپرستی و صغارت انسان است و با انگاره مدرن از کودک و فرزند در تربیت متفاوت است. در انگاره مدرن، انسان به تعبیر کانت از دوران صغارت و هرگونه قیمومیت و سرپرستی خارج شده است. وی باصراحت کانون روشنگری را امور دینی می‌داند (کانت، ۱۳۷۰؛ پینکارد^۱، قطرویی، ۱۴۰۰: ۹۰-۹۸) و تربیت مدرن، متربی محوری را بجای مربی محور نشانده است.

در پاسخ باید گفت: اولاً ایده خروج انسان مدرن از صغارت در ادبیات روشنگری کبرویاً قابل جواب است و تجربه مدرنیته نشان داد که مبنای اومانیستی (انسان‌خداانگار) و علم‌زده مبتنی بر عقلانیت ابزاری با تأکید بر گرایشهای سکولاریستی و فراغت از ارزشهای دینی و الهی، بحران‌های زیست محیطی، اخلاقی و اجتماعی بی‌سابقه‌ای را به همراه داشته است. خدامحوری و دین‌مداری هیچ تلازمی با صغارت انسان ندارد. طُرفه اینکه انسان مدرن ذیل اهواء نفس اماره و خودبسندگی و

1. Pinkard

خودمختاری و یک‌جانبه‌نگری و ذبح حقایق عالم زیرپای علوم تجربی خطاپذیر، صغارتی نوین است.

ثانیاً انگاره مراقبت در ادبیات مدرن نیز وجود دارد؛ خصوصاً در پرستاری و یا فرزندپروری در اوان کودکی؛ اما تفاوت انگاره والدگری مدرن/ لیبرال با انگاره اسلامی در فراغت از ارزشها و مبانی انسان‌شناختی و اومانستی تربیت است. در تربیت اسلامی، انگاره والدگری، شریعت‌محوری است. همین مرزگذاری در تقابل با انگاره سکولار از والدگری نیز قابل صورت‌بندی است. در خانواده سکولار و تربیت سکولاریستی، مراقبت و صیانت و همه عناصرش (اعم از مصون، مصون‌-‌عنه، مصون‌منه و صائن) در شعاع دایره تنگ «نگاه اینجایی، اکنونی و این‌دنیایی» است و اصطلاحاً «مأیخاف منه» و «مایحذر و یحتذر منه»، این‌دنیایی و سکولار فهم می‌شود. بنابراین حتی تربیت دینی در تربیت سکولار بیشتر نگاه کارکردگرایانه و یا منفعت‌طلبانه و لذت‌جویانه خواهد داشت.

ثالثاً مراقبت و صیانت در تربیت وقایی نسبتی با مفهوم مقاومت می‌تواند داشته باشد. توضیح آنکه نتیجه شعار خودمختاری انسان مدرن و کودک‌محوری، حذف کودکی، بلوغ زودرس، آسیب‌های ذهنی، جسمی، اجتماعی و اخلاقی بوده و خانواده روز به روز به نفع صنعت فرهنگ و صنعت رسانه کوچک‌تر شده و حتی نظام «تربیت مدرسه‌ای» نیز نتوانست از فروکاست تربیت خانوادگی به تربیت رسمی و تقلیل تربیت مدرسه‌ای به تربیت علمی جلوگیری نماید. به تعبیر دقیق‌تر همانگونه که منتقدان از مرگ خانواده در تمدن اومانستی غربی سخن می‌گویند؛ اما این آیه شریفه، بر کارکرد ذاتی و اصیل خانواده و والدگری مراقبت‌محوری (والد به مثابه مراقب و صائن) تاکید می‌نماید و مراقبت وقایی در عصر سکولاریزاسیون فرهنگ و تربیت به معنای لزوم مقاومت و احیاء دوباره نقش و کارکرد خانواده در تربیت و جامعه‌پذیری دارد. براین اساس، صغارت مدرن، حذف خانواده به نفع نهاد قدرت و ثروت است و برای خروج از این صغارت باید به «مقاومت تربیتی» و «تربیت مقاومتی» روی آورد و بصورت شبکه‌محور «جبهه متحد تربیت دینی خانواده‌پایه» را شکل داد. به تعبیر دقیق‌تر اطلاق آیه وقایه هم شامل دفع است و هم رفع و هم شامل پایداری تربیتی (استقامت در تربیت کردن) و هم مدافعه تربیتی (مقابله با موانع و عوامل مهاجم به تربیت) است.

نتیجه گیری و پیشنهادها

هدف نوشتار حاضر تفسیر آیه ششم سوره مبارکه تحریم بود تا امکان مفهوم‌پردازی تربیت و تحدید معنای آن سنجیده شود. در بخش اول تلاش شد در پاسخ به سوال اول و دوم پژوهش، به تفسیر مفردات آیه و سپس تبیین وقایه به مثابه تربیت پرداخته شود. در این بخش به این نتیجه رسیدیم که وقایه بر والدین واجب است و وقایه (یا از باب مقدمه یا مصداق) تربیت می‌باشد. همچنین فرایند وقایه و تربیت وقایی تحت اطلاقات تربیت و ضوابط حاکم است و تربیت وقایی نباید به فرایند اضرائی و اضلالی تبدیل شود.

و در بخش دوم و در پاسخ به سوال سوم پژوهش، تلاش شد پس از تنقیح «تربیت وقایی» نسبت آن با مفاهیم مشابه و متضاد مرزشناسی شود. در این بخش به این نتیجه رسیدیم که سخت‌هسته تربیت وقایی، هدایت الهی/خدایی است بنابراین تربیت وقایی با تربیت لیبرال و تربیت سکولار در تضاد است. وقایه مساوی مفهوم هدایت و تربیت است و اعم از تعلیم، ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر. همچنین گفتیم که وقایه اعم از مفهوم حضانت و تامین نفقه است و می‌تواند مساوی مفهوم ولایت باشد. البته در مرزشناسی تربیت وقایی با این سه مفهوم گفتیم که وقایه بر سعادت و هدایت تاکید دارد.

نتایج این پژوهش (در امتیاز با پژوهشهای مذکور در پیشینه) نشان می‌دهد که براساس آیه ششم سوره تحریم، مفهومی از «تربیت وقایی» قابل صورت‌بندی است که تفاوت پارادایمک با تربیت لیبرال و سکولار دارد.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن*، تصحیح علی عبدالباری، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
- اسعدی علی، شاکر محمدکاظم، حسینی زاده سیدعلی (۱۳۹۴)، *تفسیر آیه وقایه با رویکرد تربیتی، مطالعات تفسیری*، شماره ۲۴، صص ۹۳-۱۱۰.
- پینکارد، تری (۱۴۰۰)، *فلسفه آلمانی: میراث ایدئالیسم ۱۷۶۰-۱۸۶۰*، ترجمه ندا قطروی، تهران: ققنوس.
- بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۶)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران: بنیاد بعثت.
- برزینکا، ولفگانگ (۱۳۷۶)، *فلسفه تعلیم و تربیت*، در: *فلسفه تعلیم و تربیت معاصر*، ترجمه: خسرو باقری و محمد عطاران، تهران: محراب قلم.
- حاجی ده‌آبادی علی و اکرمی روح‌الله (۱۳۹۶)، *کاربست قاعده دفع منکر در قلمرو خانواده با کاوشی در دلالت آیه وقایه، قرآن، فقه و حقوق اسلامی*، شماره ۷، صص ۹۹-۱۲۶.
- حکیم، سیدمحمدسعید (۱۴۱۵)، *منهاج الصالحین*، بیروت: دار الصفوة.
- (علامه) حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱)، *الخلاصه*، قم: دار الذخائر.
- خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۰)، *معجم رجال الحديث*، قم: مرکز نشر آثار شیعه.
- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۲۱)، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت و دمشق: دار القلم، الدار الشامیه.
- فخر رازی، محمد (۱۴۲۲)، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فیروز آبادی، محمد (۱۴۱۵)، *القاموس المحيط*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- فیومی، احمد (۱۴۱۴)، *المصباح المنیر*، قم: مؤسسه دار الهجره.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۲۱)، *المدرسة القرآنية (موسوعة الشهيد الصدر ج ۱۹)*، قم: مرکز الأبحاث والدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸)، *مجمع البیان*، تصحیح: هاشم رسولی، بیروت: دار المعرفة.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- کانت ایمانوئل (۱۳۷۰)، *روشنگری چیست*، ترجمه همایون فولادپور، ماهنامه کِلک، شماره ۲۲، صص ۴۸-۵۷.
- کشی، محمد بن عمر (۱۳۴۸)، *رجال الکشی*، مشهد: دانشگاه مشهد.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، *الکافی*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴)، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.

- شیرازی، قدرالله و دیگران (۱۴۲۹)، موسوعه احکام الأطفال و ادلتها، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴)، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، تصحیح: احمدحبيب عاملى، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مقدس اردبیلی، احمد (بی تا)، زبدة البیان فی أحكام القرآن، تصحیح: محمدباقر بهبودی، تهران: مکتبه المرتضویه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مطرزی، ناصر (۱۹۷۹)، المغرب فی ترتیب المغرب، تصحیح: محمود فاخوری و عبدالحمید مختار، حلب: مکتبه اسامه بن زید.
- موسوی، سیدنقی (۱۴۰۲)، برگزاری نماز جماعت در مدارس از منظر فقه تربیتی، مسائل کاربردی در تعلیم و تربیت اسلامی، ش ۲۶، صص ۱۲۹-۱۵۵.
- نلر، جی. اف. (۱۳۹۱). آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش، ترجمه: فریدون بازرگان، تهران: سمت.
- Dolhenty, J.(2010).Philosophy of Education and Wittgenstein's Concept of Language-Games. The Radical Academy.
- Frankna, William K; Raybak, Nathan ; Burbules, Nicholas (2002), "Philosophy of Education", ivn Guthrie, James W. Encyclopedia of Education, 2nd edition, New York.
- Peters, R.S. (1996). Ethics and Education, London : Allen & Unwin .

